

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰  
صفحات: ۲۳۷-۲۲۳  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۲۷  
مقاله: پژوهشی

## تأملی بر مسأله مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب اسلامی

عاطفه شکیبا راد\* / هاییده صابری\*\* / مهرداد ثابت\*\*\*

### چکیده

یکی از مهمترین آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی سرمایه انسانی در یک کشور، مسأله مهاجرت نخبگان است که به مثابه یک واقعیت، سال‌های متمادی، جریان داشته و موجب از دست رفتن بخش مهمی از سرمایه کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به نفع کشورهای در حال توسعه گردیده است. کشور ایران نیز از این روند مستثنی نبوده و مهاجرت نخبگان در دهه های اخیر بالاخص پس از وقوع انقلاب اسلامی، سیر صعودی داشته است. یافته‌های ناشی از مطالعه توصیفی- تحلیلی پدیده مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب، نشان می‌دهد که عوامل دافعه موجود در داخل کشور، نقش بسزایی در تسریع و رشد پدیده مزبور داشته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به رویکردهای اقتصادی اتخاذی (از جمله فقدان آزادی اقتصادی)، توسعه نامتوازن نظام آموزش عالی و نیز عدم حمایت بایسته از فرآیند کارآفرینی توسط نخبگان اشاره نمود. به نظر می‌رسد با توسعه اقتصاد دانش بنیان و فراهم نمودن زیرساخت‌های مرتبط با آن، رفع دیوان سالاری و همچنین ایجاد توازن در توسعه کمی نظام آموزش عالی، تا حد زیادی می‌توان پدیده مهاجرت نخبگان را مهار یا حداقل دامنه بروز آن را کاهش داد.

\* دانشجوی دکتری روان شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.  
\*\* استادیار گروه روان شناسی، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
(نویسنده مسؤول).  
hayedesaberi@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه روان شناسی، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد دانش بنیان؛ انقلاب؛ کارآفرینی؛ مهاجرت؛ نخبه.

## ۱. بیان مسأله

نیروی انسانی به ویژه نیروی متخصص، در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه، نقش اساسی ایفا می‌کند. سرمایه‌ی انسانی از ابزارهای مهم توسعه است و توسعه نیز منوط به حفظ سرمایه‌ی انسانی است. امروزه مهاجرت اندیشمندان و روشنفکران می‌تواند موازنه‌ی علمی یک سرزمین را با چالش جدی مواجه کند (میرخاوری و ترابی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۰۰)؛ چرا که نیروی انسانی متخصص، مهم‌ترین مزیت رقابتی و کمیاب‌ترین منبع در اقتصاد دانش بنیان<sup>۱</sup> امروز است (Wang And Liu, 2016: 348). پدیده مهاجرت نخبگان یا اصطلاحاً فرار مغزها<sup>۲</sup>، واقعیتی است که سال‌های طولانی جریان داشته و کشورهای در حال توسعه، همواره بخشی از سرمایه خود را از این معبر، به نفع کشورهای توسعه یافته از دست داده‌اند. شرایط عمومی حاکم بر کشورهای در حال توسعه و برخی از ضعف‌های علمی آن‌ها، پدیده مهاجرت نخبگان را به مسأله اجتماعی مهمی تبدیل کرده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روند پیشرفت و توسعه کشور تأثیرگذار بوده است (توکل و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۸۴). ایران از نظر مهاجرت نخبگان، در بین کشورهای جهان، رتبه بالایی دارد؛ از سال ۱۳۵۸، سیل مهاجرت از ایران آغاز شد (امینی، ۱۳۷۹: ۲۵). به طور کلی، با بررسی روند فرار مغزها (مهاجرت نخبگان) در ایران، مشاهده می‌شود که این روند از یک دهه قبل از انقلاب شروع (اولین موج) شد و تعداد ۴۶۵۱۲ نفر متخصص از ایران خارج شدند که بیشتر به دلیل انحلال احزاب از سوی شاه، مهاجرت خانواده‌های ثروتمند و مشکلات اقلیت‌های مذهبی در این دوره بوده است. دور دوم مهاجرت در دهه اول بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفت و ۱۵۴۸۵۸ نفر از متخصصان و نخبگان در این

---

۱. طبق تعریف سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که براساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه، مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - پاسفیک با گسترش ایده مطرح شده، آن را اقتصادی می‌داند که در آن، تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی صنایع است (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۵). ابعاد اقتصاد دانش بنیان مشتمل بر محیط، منابع انسانی، نظام نوآوری، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات، رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی. الزامات این اقتصاد عبارتند از: نقش محوری دانشگاه - صنعت - دولت، محیط پایدار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، منابع انسانی (نخبگان، استعدادها، کارکنان دانشی)، نظام آموزشی کارآمد، انتقال بهره‌وری در کشاورزی و خدمات، سیاست‌ها، قوانین و مقررات حمایتی و صیانتی، کارآفرینی نوآورانه، تأمین منابع مالی، فرهنگ سازی دانش بنیان، نوآوری، بازار فناورانه، توسعه زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و تولید فناورانه (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴).

## 2. Brain Drain

دوره، به دو دلیل عمده از کشور خارج شدند: اول، پاک‌سازی متخصصانی که با رژیم سابق همکاری داشتند و دوم، شروع انقلاب فرهنگی در ایران<sup>۱</sup>. موج سوم در دهه سوم و چهارم بعد از انقلاب (۱۳۷۰-۱۳۹۰) شکل گرفت. در این دو دهه، روند فرار مغزها سیر صعودی داشته است<sup>۲</sup> و طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، در اواخر این بازه زمانی در سال ۱۳۸۸، ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، با مهاجرت سالیانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار متخصص، در میان کشورهای درحال توسعه یا توسعه نیافته جهان، از رتبه چهارم به مقام نخست ارتقا پیدا کرده است (نیکویه و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۱۲۸). به طور کلی، بایستی اذعان داشت که مهاجرت نخبگان از کشور، طی سال‌های پس از انقلاب، فراز و فرودهایی داشته، لیکن در اکثر سال‌ها، روند صعودی را دنبال نموده است (جوادی و دبیری مهر، ۱۳۹۵: ۱)؛ به گونه‌ای که مطالعات مختلف، نشان‌دهنده شکل‌گیری و استمرار موج چهارم، در روند فزاینده مهاجرت نخبگان از کشور است. بنابر آمار رسمی در سال ۱۳۹۰، ۸۰ هزار و براساس آمار غیررسمی ۲۰۰ هزار دانشجوی ایرانی در کشورهای خارجی مشغول به تحصیل هستند (نیکویه و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۹). همچنین براساس آمارهای سال‌نامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۰، رشد مهاجرت نخبگان از ایران، از حدود ۲۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۰ به رقم ۶۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰: منبع اینترنتی). با توجه به اینکه کشور ایران در شرایط حساس داخلی، منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است، اگر نتواند زمینه‌های ماندن و استفاده از دانش نخبگان به عنوان مهمترین بازوی توسعه را فراهم کند، نمی‌تواند از گذرگاه پیچیده توسعه عبور کند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۰). بر مبنای مجموع آنچه گفته شد، در پژوهش پیش‌روی بر آن شدیم تا با روش توصیفی - تحلیلی، به تأملی دوباره بر پدیده مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب بپردازیم. آنچه ضرورت نگاهی دوباره به پدیده مزبور (علیرغم

۱. در سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸، شمار دانشجویان ایرانی پذیرفته شده در دانشگاه‌های آمریکا از ۴۵ هزار و ۳۴۰ نفر در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، به ۵۱ هزار و ۳۱۰ نفر افزایش یافت. تعطیلی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۵۹ به موجب انقلاب فرهنگی نیز در مهاجرت بدون برنامه‌ریزی قبلی برخی از نخبگان مؤثر بوده است. جنگ تحمیلی نیز ضربه دیگری بر چرخه مهاجرت نخبگان زد و بر شتاب آن افزود؛ تا جایی که انگیزه خروج و عدم بازگشت در بین متخصصان را دامن زد (عبداللهی، ۱۳۹۵: منبع اینترنتی).

۲. تنها در سال ۱۳۷۹، ۲۲۰ هزار نخبه علمی، مدیریتی و صاحب سرمایه به یکی از کشورهای غربی مهاجرت کردند. این رقم در سال پیش از آن، قریب به ۹۰ هزار نفر بود (فولادی، ۱۳۸۱: ۹۱).

پژوهش‌های بی‌شمار انجام شده) را بیش از پیش آشکار می‌سازد، تداوم مهاجرت نخبگان از کشور و صعودی شدن آمارهای مرتبط با آن در سالیان اخیر است که نگاهی جدید و مرتبط با تحولات صورت گرفته به بسترهای این پدیده را اقتضا می‌نماید؛ بنابراین مهمترین پرسش پیش روی این پژوهش را می‌توان اینگونه مطرح نمود که: مهمترین بسترهای شکل‌گیری و رشد پدیده مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب چیست؟ بدیهی است که پیش از ورود به مباحث اصلی، آشنایی مختصر با مفاهیم کلیدی و پیشینه پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲. مفاهیم پایه

شاید شناسایی مفاهیم کلیدی در یک پژوهش، در بدو نظر، واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم پژوهش و رها نمودن آنها از ابهام، ورود در مباحث ماهوی پژوهش، با اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارنده بر مفهوم شناسی، نه صرفاً به منظور گردآوردن برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم شناسی کاربردی است.

۱-۲. **نخبه:** مفهوم نخبه مانند دیگر مفاهیم در علوم اجتماعی، چند وجهی بوده و صاحب‌نظران مختلف، رویکردها و صورت‌بندی‌های متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. این مفهوم، تحولات نسبتاً زیادی را پشت سر گذاشته است. در اواخر قرن نوزدهم، مفهوم نخبه وارد ادبیات علوم اجتماعی شد و تاکنون فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است (یزدانی نسب، ۱۳۹۴: ۹۴). مطابق سند راهبردی کشور در امور نخبگان (مصوب جلسه ۲۴۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مهرماه ۱۳۹۱)، نخبه به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی، اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود (جانعلی زاده چوب بستی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۴). به عبارت دیگر، می‌توان عنوان نخبه را به فردی اطلاق کرد که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری، قابل لمس باشد و همچنین هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری او در راستای تولید دانش و نوآوری، موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن گردد (موسوی راد و قدسیان، ۱۳۹۴: ۳۸).

۲-۲. مهاجرت: واژه مهاجرت، مفهومی است که دامنه گسترده‌ای از جابه‌جایی‌ها و نقل و انتقالات بشری را شامل می‌شود (جوادزاده، ۱۳۹۴: ۹۶). به طور کلی و مطابق تعریف لغوی، مهاجرت یعنی ترک سرزمین و سکونت در سرزمین دیگر؛ جا به جایی فرد یا جمع به صورت ارادی یا غیر ارادی، اعم از دائمی یا موقتی و همچنین قانونی و غیرقانونی (خوب نژادیان و جرفی، ۱۳۹۴: ۱). از لحاظ اصطلاحی، در ادبیات مربوط به مطالعات مهاجرت، تعریفی جامع و مانع از پدیده مزبور وجود ندارد. علت فقدان یک تعریف کاملاً عملیاتی، این است که چون مهاجرت، برخاسته از متن‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، رسیدن به یک توافق مفهومی، بسیار دشوار است. تفاوت در متن و زمینه مهاجرت و یا فضایی که مهاجرت در آن صورت می‌گیرد، پژوهشگران را با انواع متغیرها رو به رو می‌سازد و این به نوبه خود، دستیابی به تعریف را با چالش رو به رو می‌نماید (سجادپور، ۱۳۸۴: ۱۴). در یک تعریف ساده، می‌توان گفت که مهاجرت، عبارت است از تغییر محل اقامت، ضمن عبور از مرزهای سیاسی برای مدت بیش از یک سال (وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۱). پدیده مهاجرت، از قدیم‌الایام در جوامع بشری وجود داشته و در بنیاد نهادن تمدن‌های نوین امروزی و شکل دادن به آنها تأثیرگذار بوده است (قنبر، ۱۳۸۴: ۱۴). مفهوم مهاجرت نخبگان علمی، از پدیده‌های کلاسیک جمعیت‌شناسی و مباحث معمول جامعه‌شناسی است (شهرام‌نیا و اسکندری، ۱۳۸۸: ۴۸) که می‌توان آن را به معنای انتقال دائمی سرمایه انسانی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته تعریف نمود (Allan & Balaz, 2005: 441) و در این مقاله، به تبیین و ارزیابی این پدیده در ایران پس از انقلاب، خواهیم پرداخت.

### ۳. پیشینه پژوهش

در چارچوب موضوع مقاله پیش‌روی و مرتبط با آن، در میان پژوهش‌های انجام شده، آثار گران‌قدری به جامعه علمی کشور عرضه گردیده که هرکدام با رویکردی متفاوت، تلاشی در راستای تبیین مهاجرت نخبگان، بسترها، چالش‌ها، پیامدها و راه‌های مقابله با آن داشته و در این پژوهش نیز به فراخور ارتباط موضوعی، قطعاً مورد استفاده واقع خواهند شد؛ به عنوان نمونه، نیکویه و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان شناسایی و اولویت بندی عوامل چند زمینه‌ای مؤثر بر روند فرار مغزها (تحلیل و پیش‌نگری موج چهارم این پدیده در ایران از ۱۳۹۰

تا افق ۱۴۰۴) درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر روند فرار مغزها در طول موج چهارم این پدیده، برای سیاستگذاری در آینده بوده‌اند و با استفاده از روش دلفی به عنوان ابزار آینده‌پژوهی، به شناخت و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر آینده این روند پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رتبه میانگین عوامل آموزشی ۳/۵۴، شغلی و معیشتی ۲/۹۸، اجتماعی ۲/۶۸، سیاسی ۲/۴۶ و عوامل اقتصادی ۲/۱۶، به ترتیب، با اهمیت‌ترین عوامل اثرگذار بر روند فرار مغزها در چند سال آتی هستند. صادقی نژاد و خراسانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت، به روش پیمایشی، به بررسی نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت پرداختند و نتایج نشان داد که ابعاد نگرش به آینده شغلی و سابقه‌ی مهاجرت، تأثیر مستقیم و معناداری بر تمایل به مهاجرت دارد. جانعلی‌زاده چوب بستی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی پیمایشی، با عنوان بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی، به این نتیجه رسیدند که بیش از نیمی از نخبگان مشارکت‌کننده در این مطالعه، تمایل به ماندن در ایران داشته‌اند و بیش از یک چهارم این شرکت‌کنندگان مایل به مهاجرت بودند. تمایل به برون کوچی نخبگان علمی، به شرایط و عملکرد عاملان اجتماعی در داخل و خارج کشور مربوط می‌شود. از نظر جمعیت مورد بررسی، برآیند پایین بودن جاذبه مبدأ و بالا بودن دافعه مبدأ و جاذبه مقصد، سبب تمایل به برون کوچی نخبگان است. در میان عوامل کششی، فرصت‌های اشتغال، با اهمیت‌ترین جاذبه‌ای است که پاسخگویان را متمایل به مهاجرت می‌کند و دو عامل نامساعد بودن زمینه برای ادامه تحصیل و پژوهش و عدم قدردانی کافی از نخبگان علمی، مهمترین دافعه‌هایی هستند که سبب تمایل به مهاجرت این نخبگان می‌شوند. حاجی یوسفی و به مرد (۱۳۸۵)، در تحقیقی با عنوان چرایی مهاجرت نخبگان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی، مدعی‌اند که در مهاجرت نخبگان، عوامل اقتصادی، تعیین‌کننده‌ترین نقش را داشته و همچنین هرچه تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، احساس عدم امنیت شغلی و عدم تناسب درآمد و هزینه‌ی آنان نیز بیشتر می‌شود. زنان بیش از مردان، تبعیض و نابرابری درآمد را عاملی برای مهاجرت خود دانسته‌اند. بعلاوه اینکه متخصصان رشته‌های علوم انسانی و سپس مهندسی، بیش از سایر متخصصان، تبعیض و نابرابری در درآمد را عامل مهاجرت خود می‌دانند. جواهری و سراج زاده (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور، یک نمونه ۱۵۲۲ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های ایران را برگزیده و با روش تحلیل ثانویه، به بررسی

پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۵۹/۵ درصد از دانشجویان در سطح متوسط و ۱۷/۵ درصد در سطح زیاد، گرایش به مهاجرت از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آن‌ها درصدد مهاجرت نیستند. نقش دو متغیر «پای‌بندی به جامعه ملی» و «دین‌داری» به عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه»، به عنوان عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت، از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین گرایش به مهاجرت در مردانبیشتر از زنان و در پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا، بیش از پایگاه پایین است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های اشاره شده که جنبه نوآورانه‌ی آن نیز می‌باشد، نگاهی دوباره به بسترهای بروز پدیده مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب با ملحوظ قرار دادن تحولات سالیان اخیر است.

#### ۴. بسترهای شکل‌گیری و رشد مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب

در خصوص ادبیات نظری مهاجرت نخبگان، نظریات مختلفی وجود دارد که هرکدام از آن‌ها، ابعاد خاصی از این موضوع را مورد بحث قرار داده‌اند. رویکردهای نظری که برای توضیح و تبیین پدیده مهاجرت نخبگان ارائه شده‌اند، عبارتند از نظریه جهانی شدن، نظریه محرومیت نسبی، نظریه مرکز-پیرامون، نظریه بازار کار دوگانه، نظریه شکار نخبگان، نظریه دافعه و جاذبه که بیشتر به تبیین علل و عوامل بروز این پدیده پرداخته‌اند (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۲). یکی از مهم‌ترین نظریاتی که پدیده مهاجرت را به خوبی تبیین کرده است، نظریه جاذبه و دافعه «اورت لی»<sup>۱</sup> می‌باشد؛ براساس این نظریه، افراد مهاجر غالباً تحت تأثیر عوامل جاذب نقاط مهاجرپذیر و به عبارتی خاستگاه و عوامل دافع نقاط مهاجر فرست و به عبارتی، کوچگاه، اقدام به مهاجرت می‌کنند و مجموعه‌ای از علل و عوامل محیطی اعم از درون‌مرزی و برون‌مرزی، منجر به روند رو به تغییر و گسترش و تداوم مهاجرت نیروهای متخصص کشور می‌شوند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴). به عبارت دیگر بر اساس نظریه جاذبه و دافعه، در

---

۱. لازم به ذکر است برخی نظریات روان‌شناختی نیز تلاش کرده‌اند تا حدودی چهارچوب مفهومی این پدیده را آشکار سازند. به طور نمونه، بر اساس نظریه نیازها که توسط آبراهام مازلو مطرح شده، می‌توان گفت که زمانی که متخصصین جامعه تشخیص دهند که کشور مبدأ، توان به فعلیت رساندن استعدادهای آن‌ها را ندارد، به منظور شکوفا کردن استعدادهای خود، به کشوری دیگر مهاجرت می‌کنند (موحد و نیازی، ۱۳۸۷: ۳۷).

صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳). در این قسمت، به مهمترین عوامل دافعه در ایران پس از انقلاب که به مهاجرت وسیع نخبگان انجامیده است، پرداخته می‌شود:

۱-۴. **رویکردهای اقتصادی اتخاذی:** واقعیت مهم پیشروی جامعه ایران، حاکی از آن است که براساس آمار و اطلاعات مبتنی بر مراجع قابل استناد و همچنین پیمایش‌های صورت گرفته، نیروی محرکه اصلی مهاجرت‌های ایرانیان بالاخص نخبگان به خارج از کشور، مسائل و چالش‌های اقتصادی<sup>۱</sup> است که خود را در قالب کانال‌های مهاجرتی مختلف نظیر جا به جایی تحصیلی و دانشجویی، مهاجرت پناهنجویی، مهاجرت کاری و حتی خانوادگی بروز می‌دهد (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸۰-۲۷۹). بالا رفتن چشمگیر میل به مهاجرت در میان اقشار مختلف به خصوص در میان دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی بر اثر تحولات اقتصادی در طول سال‌های گذشته، مؤید تأثیر اساسی مسائل اقتصادی بر مهاجرت در جامعه ایران است. به نظر می‌رسد تمرکز بر توسعه اقتصاد دانش‌بنیان در کشور با هدف ظرفیت‌سازی برای بکارگیری سرمایه‌های انسانی در داخل و یا زمینه‌چینی بازگشت متخصصان و فارغ التحصیلان خارج از کشور می‌تواند در این راستا، مفید فایده واقع گردد؛ چرا که در چنین اقتصادی، رفاه افراد در گرو دانش و سرمایه‌ی انسانی آن جامعه بوده و درآمد سرانه، حاصل محتوای فکر و اندیشه نیروی انسانی آن کشور می‌باشد و فقدان آن، بزرگترین سد و مانع توسعه اقتصادی است (خضری، ۱۳۸۰: ۵۴۹). از دیگر مسائل قابل توجه در رویکردهای اقتصادی اتخاذی فعلی که تأثیر غیرقابل انکاری بر فرآیند مهاجرت نخبگان از کشور داشته است، می‌توان

---

۱. از جمله این مسائل و چالش‌های اقتصادی، می‌توان به اختلاف درآمد بین کشور مبدأ و مقصد اشاره نمود. به طور کلی، اشخاص تحصیلکرده، انتظار بالا رفتن درآمد و سطح زندگی خود را دارند. معقول نیز به نظر می‌رسد که فردی که سال‌ها با صرف هزینه‌های متعدد مالی و غیرمالی، قابل سنجش و گاه غیرقابل سنجش، از یک دانشگاه فارغ‌التحصیل شده است، خواهان تشکیل یک زندگی متوسط خانوادگی (از نظر مالی) باشد. اما این، همه نقش عوامل اقتصادی بر مهاجرت نیست. عدم مطلوبیت وضعیت اقتصادی از حیث اثری که بر سایر جوانب زندگی از جمله فعالیت‌های علمی یک اندیشمند می‌گذارد، شایسته بررسی است. علاوه بر آنچه تحت عنوان عوامل درآمدی از آن یاد شد، عدم وجود امنیت اقتصادی وعدم پیش‌بینی آینده اقتصادی نیز از دلایل این پدیده محسوب می‌شود (رضایی و دُر تاج، ۱۳۹۱: ۱۵۸).



به فقدان آزادی اقتصادی<sup>۱</sup> در کشور اشاره نمود. توضیح مطلب اینکه مطابق بسیاری از تحقیقات (Clark & Pearson, 2007; Ashby:2010) وجود آزادی اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، عامل جذب برای افراد به ویژه نخبگان، از کشورهایی است که دارای محدودیت‌های بسیاری در این زمینه هستند. به عبارت دیگر، محدودیت در آزادی اقتصادی، یک عامل دافعه برای مهاجرت محسوب می‌شود و با افزایش آزادی اقتصادی، انگیزه کمی برای خروج از کشور به وجود می‌آید (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۳: ۴۵). مطابق آخرین گزارش آزادی اقتصادی منتشره از جانب مؤسسه بین‌المللی فریزر، ایران از رتبه ۱۵۵ در سال ۲۰۱۸ به رتبه ۱۶۰ در سال ۲۰۱۹ سقوط کرده است؛ همچنین نمره آزادی اقتصادی ایران، پایین‌ترین عدد در ۲۰ سال گذشته بوده و به عدد ۵,۰۶ کاهش یافته است (روزنامه اقتصادنیوز، ۱۴۰۰: منبع اینترنتی).

**۲-۴. توسعه نامتوازن نظام آموزش عالی:** در دهه‌های اخیر پس از انقلاب، آموزش عالی از حیث کمی، به طور شتابانی گسترش یافته است. الگوی ویژه توسعه آموزش عالی در ایران، با ابداع مفهوم «توده ای شدن متراکم آموزش عالی» بیان گردیده و به عنوان یک الگوی ناموزون توضیح داده می‌شود. توسعه ناموزون نظام دانش به نوبه خود از الگوی ناموزون توسعه کشور تأثیر پذیرفته است (قانع‌ی راد، ۱۳۸۳: ۱۶۹). توسعه آموزش عالی در دهه‌های گذشته اگرچه به توده‌ای شدن آن انجامید، ولی در ایجاد یک نظام تولید دانش و دارای توزیع اجتماعی ناتوان ماند؛ به عبارت دیگر، فعالیت‌های آموزش عالی بیشتر به انتقال دانش معطوف است تا پژوهش و تولید دانش. دانش‌آموختگان آموزش عالی که با فقدان تقاضای مراکز آموزشی و پژوهشی دولتی موجود روبه رو شده‌اند، قادر به تأسیس مراکز مشاوره، دفاتر پژوهشی و کانون‌های تفکر غیردولتی و خصوصی نیز نیستند؛ زیرا فعالیت‌های پژوهشی در کشور، فاقد تقاضای مؤثر بوده و انجام آن‌ها، مقرون به صرفه نیست. در این شرایط که نیروی انسانی متخصص به مثابه یک سرمایه معتبر، ارزش جهانی یافته است، این سرمایه به کانون‌های جهانی تقاضای نیروی انسانی

---

۱. آزادی اقتصادی، مشتمل است بر آزادی مشاغل، آزادی رقابت، آزادی تجارت داخلی و خارجی، آزادی بانک‌ها، آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی‌شان که از طریق قانونی به دست آورده‌اند و به عنوان برنامه قطعی و همیشگی، عبارت است از مقاومت در برابر هر نوع مداخله دولت که ضرورت خاص آن به ثبوت نرسیده باشد؛ به ویژه استقامت در برابر سیاست به اصطلاح حمایت و سرپرستی دولت (سامتی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۸).

جذب می‌شود (قانع‌ی راد، ۱۳۸۳: ۲۰۳)؛ بدین ترتیب، آموزش عالی کشور در ضمن توسعه خود، دانش‌آموختگانی را پرورش می‌دهد که به سبب ناتوانی نهادهای آموزشی، پژوهشی و صنعتی کشور، چاره‌ای جز مهاجرت به آن سوی مرزها نمی‌یابند.

۳-۴. فقدان حمایت بایسته از کارآفرینی توسط نخبگان: در هزاره سوم که جوامع با سرعت چشمگیری در حال پیشرفت و توسعه می‌باشند، حضور مدیران کارآمد و نخبه، می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ به بیان دیگر، استفاد از قابلیت‌های این گروه در قالب کارآفرینی و حمایت از آنان می‌تواند در ایجاد و تقویت انگیزه آنان در جهت ارتقاء و پیشرفت کشور تأثیرگذار باشد (دلشاد اینچه برون و قلیچ لی، ۱۳۹۱: ۵۳۳). حمایت صحیح و اصولی دولت از کارآفرینی، هم مانع از خروج نخبگان می‌شود و هم آمار بیکاری را در کشور کاهش می‌دهد. اقدامات خوبی در این زمینه صورت گرفته است؛ ولی این اقدامات کافی نیست؛ هنوز هم دولت و بانک‌ها حاضر به پذیرش ریسک نیستند و بسیاری از طرح‌های نخبگان در زمینه کارآفرینی را خیلی راحت کنار می‌گذارند و به سراغ طرح‌های با سود بالای تضمینی در کوتاه مدت می‌روند. طبیعتاً افزایش فرصت‌های کارآفرینی در کشور علاوه بر اینکه مهاجرت نخبگان را به شدت کاهش خواهد داد، آمار بازگشت نخبگان و بازگشت سرمایه‌ها به کشور را نیز بهبود می‌بخشد (فرتوک زاده و اشراقی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). آنچه در تبیین وضعیت فعلی کشور در خصوص موضوع فوق‌الشاره، قابل اشاره می‌باشد، این است که در میدان اداری، برخلاف انتظار نخبگان، فرآیندهای اداری و سازمانی پیچیده، نه تنها عبور از مراحل را برای مشارکت کنندگان نخبه تسهیل نکرده است، بلکه آنان را در چرخه سازمان اداری انعطاف ناپذیر، سرگردان و دچار احساس بی‌قدرتی می‌کند (ژیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

### نتیجه‌گیری

تأثیر سرمایه انسانی بر فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، امری انکارناپذیر است. نیروی انسانی متخصص، مهم‌ترین مزیت رقابتی و کمیاب‌ترین منبع در اقتصاد دانش‌بنیان امروز است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی سرمایه انسانی در یک کشور، مسأله مهاجرت نخبگان است که به مثابه یک واقعیت، سال‌های متمادی، جریان داشته و موجب از دست رفتن بخش مهمی از سرمایه کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به نفع کشورهای در حال توسعه گردیده است. ایران از نظر مهاجرت نخبگان، در بین کشورهای جهان، رتبه بالایی دارد. موج

نخست مهاجرت نخبگان از ایران، از یک دهه قبل از انقلاب شروع شد. موج دوم، در دهه اول بعد از انقلاب اسلامی صورت پذیرفت و موج سوم در دهه سوم و چهارم بعد از انقلاب (۱۳۹۰-۱۳۷۰) شکل گرفت. مطالعات مختلف، نشان‌دهنده شکل‌گیری و استمرار موج چهارم، در روند فزاینده مهاجرت نخبگان از کشور است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده نقش قابل توجه عوامل دافعه موجود در داخل کشور، در تسریع و رشد پدیده مهاجرت نخبگان است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، رویکردهای اقتصادی اتخاذی بالاخص فقدان آزادی اقتصادی است که نیروی محرکه اصلی مهاجرت‌های ایرانیان بالاخص نخبگان به خارج از کشور بوده است. بالا رفتن چشمگیر میل به مهاجرت در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بر اثر تحولات اقتصادی در طول سال‌های گذشته، مؤید تأثیر اساسی این مؤلفه است. توسعه نامتوازن نظام آموزش عالی نیز از دیگر عوامل دافعه‌ای است که در ضمن توسعه کمی و توده‌ای خود، دانش‌آموختگانی را پرورش می‌دهد که به سبب ناتوانی نهادهای آموزشی، پژوهشی و صنعتی کشور، چاره‌ای جز مهاجرت به آن سوی مرزها نمی‌یابند. در نهایت، فقدان حمایت بایسته از کارآفرینی توسط نخبگان نیز در زمره عوامل دافعه موجود، قابل اشاره است که نه تنها عبور از مراحل مختلف کاری و اداری را برای نخبگان تسهیل نکرده است، بلکه آنان را در چرخه بوروکراسی و دیوان‌سالاری مزمّن، اسیر و سرگردان نموده است. لذا با توسعه اقتصاد دانش بنیان و فراهم نمودن زیرساخت‌های مرتبط با آن، رفع دیوان‌سالاری و همچنین ایجاد توازن در توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی، تا حد زیادی می‌توان پدیده مهاجرت نخبگان علمی در جمهوری اسلامی ایران را مهار یا حداقل دامنه بروز آن را کاهش داد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

امینی، علیرضا (۱۳۷۹)، «بررسی وضعیت اشتغال نیروی کار دارای آموزش عالی»، مجموعه مقالات همایش بررسی مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

توکل، محمد و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)، «رهیافت تلفیقی جامعه‌شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تأکید بر جامعه ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال ۷، شماره ۲، صص ۸۳-۹۷.

جانعلی‌زاده چوب بستی، حیدر و علیوردی نیا، اکبر و پورقازی، شیوا (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۷۸-۱۵۳.

جوادی‌زاده، پدram (۱۳۹۴)، «علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا»، مجله مدیریت فرهنگی، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۱۱۱-۹۵.

جوادی، حامد و دبیری مهر، امیر (۱۳۹۵)، «بررسی نقش فرهنگ سیاسی در مهاجرت نخبگان از ایران در سال‌های پس از انقلاب»، رشت: همایش بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، مندرج در: <https://civilica.com/doc/651771>

حسینی، سید خلیل و صبوری خسروشاهی، حبیب و معدنی، سعید (۱۳۹۹)، «عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۶۲-۵۱.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۴۰۰)، «مهاجرت نخبگان» خروجی نهادهای متولی، کد خبر: ۸۴۵۵۸۹۷۷ نقل از پایگاه اینترنتی: [irna.ir/xjGLfr](http://irna.ir/xjGLfr)

خضری، محمد (۱۳۸۰)، «دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۵۷۲-۵۴۷.

خوب‌نژادیان، صادق و جرفی، عبدالامیر (۱۳۹۴)، «انواع مهاجرت و شیوه‌های آن در حقوق بین‌الملل»، شیراز: اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، مندرج در: <https://civilica.com/doc/390091>

دلشاد اینچه برون، عبدالرحیم و قلیچ لی، جوادی (۱۳۹۱)، «مدیریت، نخبگان، کارآفرینی، توسعه پایدار و سرمایه‌های انسانی»، تهران: نخستین کنگره پیشگامان پیشرفت، مندرج در: <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?id=59385>

رضایی، پروین و درتاج، فتانه (۱۳۹۱)، «بررسی دلایل مهاجرت نخبگان از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه های کرمان»، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱۶۶-۱۴۷.

تأملی بر مسأله مهاجرت نخبگان در ایران پس از انقلاب اسلامی

روزنامه اقتصادنیوز(۱۴۰۰)، ایران در میان ۱۰ کشور با کمترین آزادی اقتصادی، کد خبر:

۴۴۳۸۲۳، نقل از پایگاه اینترنتی:

<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-443823>

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، **مهاجرت**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

ژیان‌پور، مهدی و ناجی اصفهانی، زهرا و کاوه زاده، عادل (۱۳۹۲)، «تجربه نخبگان از موانع تجاری‌سازی

ایده‌ها؛ مطالعه موردی: اعضای بنیاد نخبگان شهر اصفهان»، **فصلنامه مسائل اجتماعی ایران**

(**دانشگاه خوارزمی**)، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۴۱.

سامتی، مرتضی و گوگردچیان، مرضیه و گوگردچیان، احمد (۱۳۸۹)، «تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر

آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD»، **فصلنامه پژوهشنامه**

**اقتصادی**، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۳.

سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۸۴)، «چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی؛

مطالعه موردی ایران»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۲۰، شماره ۳ (پیاپی ۷۸)، صص

۹-۳۰.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۳)، «تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت

(با تأکید بر مهاجرت نخبگان)»، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، سال ۲۱، شماره ۷۷، صص ۶۹-

۴۱.

شهرام نیا، امیرمسعود و اسکندری، مجید (۱۳۸۸)، «ابعاد، ریشه‌ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به

مرکز (مطالعه موردی ایران)»، **دوفصلنامه ره‌آورد سیاسی**، سال ۷، شماره ۲۴ و ۲۵، صص

۴۷-۷۰.

عبداللهی، مهدی (۱۳۹۵)، «تاریخ ۶۰ ساله فرار مغزها»، **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۳۷۸۱، تاریخ

۱۳۹۵/۰۳/۱۶، نقل از پایگاه اینترنتی

<https://www.donya-e-eghtesad.com/fa/tiny/news-1054931>

علی‌پور، قاسم و خراشادی‌زاده، محمدرضا و سیف، الله مراد و احمدی زاده، سید سعیدرضا (۱۳۹۹)،

«طراحی الگوی راهبردی نقش آفرینی نخبگان و استعدادها در تحقق اقتصاد دانش بنیان با

رویکرد اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی**، سال ۴،

شماره ۱۳، صص ۳۳-۷۰.

فرتوک زاده، حمیدرضا و اشراقی، حسن (۱۳۸۷)، «مدل‌سازی دینامیکی پدیده مهاجرت نخبگان و نقش نظام آموزش عالی در آن»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۵۰)، صص ۱۶۸-۱۳۹.

فولادی، محمد (۱۳۸۱)، «بررسی پدیده فرار مغزها، آثار و پیامدهای آن»، فصلنامه معرفت، سال ۴، شماره ۵۳، صص ۹۳-۸۳.

قانعی راد، محمد امین (۱۳۸۳)، «توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۲۰۸-۱۶۹.

قنبر، افسانه (۱۳۸۴)، بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به آمریکا، طرح تحقیقاتی، بخش مطالعات توسعه پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کیانی، کوروش و شهریاری‌پور، رضا و مرادی، فرشاد و صدر، حسین (۱۳۹۷)، «مدل‌سازی ساختاری عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور (مطالعه موردی: دانشگاه سمنان)»، فصلنامه نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۱۵۱-۱۲۱.

معمارنژاد، عباس (۱۳۸۴)، «اقتصاد دانش بنیان: الزامات، مانع‌ها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۸-۸۳.

مفتخری، علی و جعفری، محمد و ابونوری، اسماعیل و نادمی، یونس (۱۴۰۰)، «تأثیر متغیرهای مؤثر بر حکمرانی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه اقتصاد باثبات، دوره ۲، شماره ۳، صص ۸۵-۶۰.

ملکشاهی، حجت‌الله و واعظ، نفیسه و تقی‌پور، فائزه (۱۴۰۰)، «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران برای مهار مهاجرت نخبگان»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، صص ۲۹۰-۲۷۱.

موحد، مجید و نیازی، صغری (۱۳۸۷)، «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۵۴-۲۹.

موسوی‌راد، سید حامد و قدسیان، حسین (۱۳۹۴)، «تحلیل مهاجرت نخبگان و تأثیر سیاست‌های بازدارنده با استفاده از پویایی‌های سیستم»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال ۲۱، شماره ۵۹، صص ۶۳-۳۷.

میرترابی، سعید و خاوری‌نژاد، سعید (۱۳۹۳)، «علل مهاجرت نخبگان از ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۲۳۳-۱۹۹.

نیکویه، مهدی و شیروانی ناغانی، مسلم و درویشی سه تلانی، فرهاد و بیات، روح الله (۱۳۹۹)، «شناسایی و اولویت بندی عوامل چند زمینه‌ای موثر بر روند فرار مغزها (تحلیل و پیش‌نگری موج چهارم این پدیده در ایران: از ۱۳۹۰ تا اقی ۱۴۰۴)»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۷، شماره ۱۰۴، صص ۱۲۷-۱۵۴.

وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴)، *مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن*، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

یزدانی نسب، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی انتقادی تئوری نخبگان در علوم اجتماعی و مفهوم پردازی مجدد آن با تأکید بر ساختار»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۶، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۳.

(ب) منابع انگلیسی

- Allan, W. & Balaz, V. (2005), "What Human Capital, Which Migration? Returned Skilled Migration to Slovakia". **The International Migration**, 39 (2), 439-453.
- Ashby, N. J. (2007), "Economic Freedom and Migration Flows between U.S. States", **Southern Economic Journal**, 73 (3).
- Clark, J. R. and D. Pearson (2007), "Economic Freedom, Entrepreneurship, Migration, and Economic Growth", **The Clarion Business and Economic Review**, 6 (2).
- Wang, Y., & Liu, S.S (2016), "Education, Human Capital and Economic Growth: Empirical Research on 55 Countries and Regions (1960-2009)", **Theoretical Economics Letter**, no. 6, 347-355.